

اصول تغییر و اصلاح رفتار در سیره معصومان علیهم السلام

محمدحسن ابراهیمی دهشیری*

چکیده

این مقاله با روش مطالعه اسنادی و تحلیلی و با هدف بررسی اصول تغییر و اصلاح رفتار در سیره معصومان علیهم السلام تدوین یافته است. بدین منظور، با بررسی سیره (قول و فعل) آن بزرگواران، اصولی کلی استنباط و استخراج شده است که عبارتند از: اصل حفظ کرامت و ارزشمندی انسان، اصل اقتضایی رفتار کردن، اصل تقدم استفاده از روش‌های سهل‌گیرانه بر روش‌های سخت‌گیرانه و تنبیهی، و اصل تقدم استفاده از روش‌های غیرمستقیم و کرداری بر روش‌های مستقیم و گفتاری. سیره ائمه اطهار علیهم السلام نشان می‌دهد آن بزرگواران تنها به تغییر رفتار توجه نداشته، بلکه درصدد اصلاح رفتار نیز بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: معصومان علیهم السلام، سیره، تغییر رفتار، اصلاح رفتار، اصول.

مقدمه

مثبت و منفی کاهش رفتارهای نامطلوب براساس دیدگاه اسکینر پرداخته است.

در نوشتار حاضر سعی شده تغییر و اصلاح رفتار از دید معصومان علیهم‌السلام بررسی شود و هدف آن استخراج اصول کلی منتج از سیره آن بزرگواران در این زمینه است. بدین منظور به شیوه کتابخانه‌ای و با مطالعه اسناد به شکلی تحلیلی کوشش شده است تا به این پرسش مهم پاسخ گفته شود: تغییر و اصلاح رفتار در سیره معصومان علیهم‌السلام به چه شیوه‌ای صورت می‌گرفته است و اصولی که می‌توان از سیره ایشان استخراج کرد کدامند؟ نوآوری مقاله حاضر در تفکیک تغییر و اصلاح رفتار است، منظور از تغییر، دگرگون کردن رفتار نامطلوب و مقصود از اصلاح تغییر در جهت مثبت است، از این رو، هر اصلاحی مستلزم تغییر است، اما هر تغییری منجر به اصلاح نمی‌گردد، به طور مثال، تنبیه بدنی کودکان ممکن است مانع از بروز رفتار نامطلوب شود، اما جایگزین مناسبی برای آن ارائه نمی‌شود، یا به اصطلاح، رفتار فرد تغییر می‌کند، ولی اصلاح نمی‌گردد. تمایز بین تغییر با اصلاح در این مبحث از آن روست که سیره تربیتی (= قول و فعل) ائمه اطهار علیهم‌السلام نشان می‌دهد که ایشان در برخورد با متریبان (در معنای عام) درصدد اصلاح رفتار متریبان بوده‌اند و تنها به تغییر رفتار توجه نداشته‌اند، تقدم استفاده از روش‌های غیرمستقیم و روش‌های سهل‌گیرانه بر روش‌های مستقیم و سخت‌گیرانه در سیره آن بزرگواران، مؤید این تمایز و تفاوت است. در ادامه مقاله در این باره توضیح بیشتری ارائه می‌گردد.

اصول تعلیم و تربیت قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مریبان در اعمال تربیتی باشد. این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات

هر مکتب بر پایه برداشتی که از ماهیت و طبیعت انسان دارد نسبت به تعلیم و تربیت او نظری ویژه دارد. در نگاه اسلام، انسان موجودی است دارای تضاد که از یکسو، رو به اعلی‌علین دارد و از سوی دیگر، به اسفل‌السافلین می‌رسد. انسان کشاکش میان فطرت و غریزه است. از این رو، تربیت و هدایت انسان از دیدگاه اسلام را می‌توان شکوفا و بارورکردن فطریات و کنترل غرایز دانست. با توجه به ماهیت انسان می‌توان گفت: انسان‌ها در دوره‌های متفاوت زندگانی (چه در خردسالی و نوجوانی و چه در جوانی و بزرگسالی) در معرض ارتکاب فساد و شرّ و بدی قرار دارند و همواره خطر رفتارهای ناستوده آنها را تهدید می‌کند. در این میان، هدف تربیت این است که خیر و سعادت را در جامعه بشری بر شرّ و شقاوت غالب سازد. از این رو، بخش عمده‌ای از فرایند تربیت ایجاد رفتارهای مطلوب و تغییر و اصلاح رفتارهای نامطلوب است. در این مقاله سعی شده است به جنبه‌ها و یا فعالیت‌های معطوف به تغییر و اصلاح رفتارهای نامطلوب پرداخته شود. در باب تغییر و اصلاح رفتار، کتب و مقالاتی که نوشته شده است بیشتر ناظر به دیدگاه رفتارگرایی اسکینر، آن هم از منظر روان‌شناسی بوده است. برای نمونه علی‌اکبر سیف در کتابی با عنوان **تغییر رفتار و رفتار درمانی** به تشریح فرایندهای ایجاد و تغییر اصلاح رفتار بر مبنای شرطی‌سازی کنشگر اسکینر پرداخته است. بر اساس دیدگاه اسکینر رفتارهای انسان تابع محرک‌های محیطی است. براساس محرک‌های محیطی می‌توان رفتارهای مطلوب را تقویت نمود و رفتارهای نامطلوب را کاهش داد و زدود. *ابوالقاسم بشیری* در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب در کودکان»^(۱) به تشریح روش‌های

روانشناسی، جامعه‌شناسی و نظریات مریبان بزرگ تعلیم و تربیت است.^(۲) به دیگر سخن، اصول، گزاره‌های تجویزی است که ملاک عمل مربی می‌باشد و از منابع مختلف می‌توان آن را استخراج کرد.

در این نوشتار کوشش شده است تا اصول تغییر و اصلاح رفتار با استناد به سیره معصومان علیهم‌السلام استنباط و استخراج گردد. مقصود از سیره، قول و فعل معصومان علیهم‌السلام می‌باشد که هم شامل احادیث و روایات است و هم زندگی عملی ایشان را دربر می‌گیرد. منظور از اصول نیز گزاره‌های تجویزی‌اند که از سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام استخراج شده‌اند و می‌توانند ملاک عمل مریبان در تغییر و اصلاح رفتار مریبان باشند.

در این مقاله بر اصول تأکید شده است؛ زیرا اصول معیار و قواعد عمل و انتخاب روش است و آنچه اصالت دارد نه روش، بلکه معیار است؛ چراکه با در دست داشتن معیارها به راحتی می‌توان روش‌ها و شیوه‌های حرکت در چارچوب مورد نظر را کشف کرد و به کار بست.

اصول تغییر و اصلاح رفتار

۱. اصل حفظ کرامت و ارزشمندی انسان^(۳)

اسلام انسان را کرامت بخشیده و وی را عزت داده است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسراء: ۷۰) سیره معصومان علیهم‌السلام نیز بیانگر تأکید آنان بر حفظ کرامت و ارزشمندی انسان است. خودآگاهی و توجه به اینکه انسان موجودی برتر است و گوهری ارزشمند و بی‌مانند در خود دارد، او را به حراست و پاس‌داری از کرامت ذاتی خویش فرا می‌خواند. در مقابل، کسی که احساس زبونی و فرومایگی کند و شرافت خود را باور نداشته باشد از ارتکاب هرگونه رفتار ناپسند اخلاقی باکی ندارد. چنان‌که امام‌هادی علیه‌السلام فرموده‌اند: «کسی که خودش را بی‌مقدار می‌داند، از شرش ایمن مباش.»^(۴)

ارونسون، روان‌شناس اجتماعی، در این زمینه چنین نوشته است: اگر من مرتکب عملی بی‌رحمانه و ابلهانه شوم، عزت نفسم مورد تهدید قرار می‌گیرد؛ چه، آن عمل ذهن مرا متوجه این امکان می‌سازد که من شخصی بی‌رحم و ابله‌م. افرادی که عزت نفس بالایی دارند، اگر به نحوی ابلهانه یا بی‌رحمانه رفتار کنند، بیش از دیگران احساس ناهماهنگی می‌کنند. در مقابل، اگر شخصی عزت نفس پایینی داشته باشد احساس ناهماهنگی زیادی نمی‌کند.^(۵) معصومان علیهم‌السلام همواره درصدد حفظ کرامت و ارزشمندی انسان‌ها بوده‌اند، تلاش می‌کرده‌اند انسان‌ها را به ارزش و کرامت خود آگاه سازند. روایات متعددی در این زمینه وجود دارد که نشان‌دهنده توجه آن بزرگواران به کرامت و ارزش انسانی است. امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: کار برادرت را بر نیکوترین وجه تفسیر کن تا اینکه خلاف آن بر تو ثابت شود.^(۶) از امام سجاده علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «و بدان ای پسر که صلاح دنیا (و امور آن) در دو کلمه خلاصه شده و آن چون ظرفی است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن تغافل است؛ زیرا انسان از امری تغافل نمی‌کند مگر آنکه از آن (امر) به خوبی آگاه است.»^(۷) روش‌هایی همچون تغافل و تجاهر و نیز عفو، بیانگر توصیه معصومان علیهم‌السلام برای حفظ ارزشمندی انسان است. اینک نمونه‌ای از به‌کارگیری این اصل به شیوه تغافل و عفو:

مالک/شتر از بازار کوفه می‌گذشت. یکی از بازاریان که او را نمی‌شناخت برای آنکه رفقاییش را بخندانند مشت‌ی زباله به سمت مالک پرتاب کرد. کار او سبب خنده دیگران شد. مالک بدون اینکه مکثی کند و حرکتی انجام دهد به راه خود ادامه داد. یکی از افرادی که آنجا بود و مالک را می‌شناخت به بازاری گفت: آیا آن مرد را می‌شناسی؟ او مالک/شتر فرمانده سپاه امیر المؤمنین علیه‌السلام

شامی؟ جواب داد: آری. سپس فرمود: تو در شهر ما غریبی؛ اگر نیازی داری حاضریم به تو کمک کنیم و تو را در خانه مهمان نماییم. مرد شامی که با چنین عکس‌العملی مواجه شد منقلب گردید و گفت: تاکنون کسی از حسین و پدرش نزد من مغبوض‌تر نبود و حالا کسی از او و پدرش نزد من محبوب‌تر نیست.^(۱۱)

۲. اصل اقتضایی رفتار کردن

در برخی روایات، تکبر در برابر متکبر سفارش گردیده و عفو‌ی که موجب تعدی و تجاوز می‌گردد مضر شمرده شده است. در نامه امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام آمده است: «جایی که مدارا درشتی به حساب آید به جای مدارا درشتی باید، بسا که داروی بیماری شود و درد درمان گردد.»^(۱۲) همچنین از امام علی علیه السلام روایت شده است: «تکبر کردن با افراد متکبر، خود عین تواضع است.» از این روایات می‌توان اصل اقتضایی رفتار کردن را استخراج کرد. اقتضایی رفتار کردن بدین معناست که یک روش، همه جا و برای برخورد با همه افراد مناسب نیست، بلکه بنا به اقتضانات باید رفتار کرد. شرط اقتضایی رفتار کردن، داشتن تنوع رفتاری^(۱۳) است که «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد» و «لکل مقام مقال». داشتن تنوع رفتاری و اقتضایی رفتار کردن نشان‌دهنده سلامت روانی و رشدیافتگی شخص نیز می‌باشد. چنان‌که گریس آرگریس^(۱۴) در نظریه خود موسوم به نظریه «رشدیافتگی - رشدنایافتگی» آورده است که انسان‌های رشدیافته به چند طریق رفتار می‌کنند و انسان‌های رشدیافته به چندین طریق رفتاری.^(۱۵) در ذیل، به نمونه‌هایی از به‌کارگیری این اصل اشاره می‌شود:^(۱۶)

سمره بن جندب (یکی از منافقان مدینه) یک اصله خرما در باغ یکی از انصار داشت. خانه مسکونی مرد

بود. مرد بازاری که تازه فهمید به چه کسی آزار رسانده است، سراسیمه شد و ترسید مالک او را تنبیه و مجازات کند؛ از این رو، پشت سرش دوید. دید که مالک به مسجد می‌رود. پس از آنکه مالک نمازش تمام شد رو به مرد کرد و گفت: به مسجد نیامدم، مگر به خاطر تو. آدمم تا تو را دعا کنم و از خداوند بخواهم که تو را هدایت کند که بی‌جهت مردم را اذیت نکنی.^(۸)

در توضیح به‌کارگیری تغافل باید گفت: خود را به ناآگاهی زدن از رفتار ناشایستی که صورت گرفته است، چه بسا موجب شود تا فرد به خطای خود پی‌برد و از بزرگواری مرتبی خود شرمسار گردد. به واقع، تغافل دارای دو پیام است. نخست آنکه مرتبی، مرتبی را متوجه رفتار ناشایستش می‌کند و دوم آنکه مرتبی درمی‌یابد مرتبی از رفتار ناشایست او گذر کرده و با وی بزرگ‌منشانه رفتار نموده است. نیز ارزش و کرامت مرتبی را به وی ناآشکارا نشان داده و وی را عزیز شمرده است. از این رو، مرتبی تلاش می‌کند این بزرگ‌منشی را با اصلاح رفتار خود جبران نماید. شاید از این روست که امام علی علیه السلام فرموده است: «هیچ برخورد خردمندانه‌ای همچون تجاهل نیست.»^(۹) به علاوه آنکه تغافل و تجاهل باعث ارزشمندتر شدن انسان در نقش مرتبی نیز می‌گردد؛ زیرا با نادیده گرفتن رفتار ناشایست دیگران، بزرگواری خود را نشان می‌دهد. البته به‌کارگیری این روش، بیشتر درباره خطاهای جزئی و قابل اغماض توصیه شده است. چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «با تغافل از امور جزئی، خودتان را ارزشمند و بلندمرتبه بدارید.»^(۱۰)

شخصی شامی به مدینه آمده بود. در آنجا با امام حسن علیه السلام روبه‌رو شد. بر اساس تبلیغات سوئی که از دستگاه اموی در ذهنش بود، آن حضرت را دشنام داد. امام بدون آنکه خشم بگیرد و ناراحت شود از او پرسید: اهل

سهل‌گیرانه، مانند عفو و اغماض، و تغافل و مدارا مؤثر واقع نشد برای تغییر رفتار متخلف باید از روش‌های سخت و تند استفاده نمود که: «أَخْرَجُ الدَّوَاءَ الْكَبِيَّ» پس اصل منتج از این روایات چنین است: اصل تقدّم استفاده از روش‌های سهل‌گیرانه بر روش‌های سخت‌گیرانه.

شخصی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همسایه‌اش شکایت کرد که مرا اذیت می‌کند و از من سلب آسایش کرده. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: تحمل کن و سر و صداه راه نینداز، شاید روشش را تغییر دهد. بعد از چندی دو مرتبه آمد و شکایت کرد. باز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: تحمل کن. برای سومین بار آمد و گفت: یا رسول الله، همسایه‌ام دست از روش خویش بر نمی‌دارد و همچنان مرا اذیت می‌کند. این بار رسول خدا به او فرمودند: روز جمعه اثاث خانه‌ات را بیرون بریز و سر راه مردم که می‌گذرند بگذار. اگر مردم علت را از تو پرسیدند، بگو به خاطر آزار همسایه‌ات چنین کرده‌ای. شاکه همین کار را کرد. همسایه موذی که وضع را دید به التماس افتاد و خواهش کرد که آن مرد (شاکه) اثاث را به منزل بازگرداند و متعهد شد که دیگر موجبات آزار همسایه‌اش را فراهم نسازد. (۱۹) داستان سمره (داستان قبلی) را نیز می‌توان تحت این اصل آورد.

۴. اصل تقدّم استفاده از روش‌های غیرمستقیم و

کرداری بر روش‌های مستقیم و گفتاری

در برخی احادیث بر عمل به جای گفتار تأکید شده و کنایه و تعریض به جای توییح آشکار توصیه، و نصیحت در پنهان سفارش شده است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: «بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار بیازار». (۲۰) نیز از ایشان روایت است که فرمود: «توییح کنایی (تعریض) برای فرد عاقل سخت‌تر از توییح آشکار است». (۲۱) آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «انسان عاقل، با ادب متنبه

انصاری در باغ بود. سمره گاهی به نخل خود سر می‌زد و از آن خرما می‌چید. اما برای این کار سرزده وارد خانه می‌شد و ضمناً چشم‌چرانی هم می‌کرد. صاحب‌خانه از او خواهش کرد که هر وقت می‌خواهد داخل شود سرزده وارد نشود. او قبول نکرد. ناچار صاحب‌خانه به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شکایت برد.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سمره را خواست و به او فرمود: فلاتی از تو شکایت دارد، پس از این به بعد اجازه بگیر و بدون اطلاع وارد نشو. سمره نپذیرفت. حضرت فرمود: پس درخت را بفروش. باز قبول نکرد. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیمت را بالا برد، باز حاضر نشد. فرمود: اگر این کار را بکنی در بهشت برای تو درختی خواهد بود. باز هم نپذیرفت. در این وقت رسول اکرم فرمود: تو مردی زیان‌رسان و سخت‌گیری و در دین اسلام زیان رساندن و تنگ‌گرفتن وجود ندارد (لا ضَرَّ وَ لا ضَرَّار). سپس به مرد انصاری فرمود: برو درخت خرما را از زمین بیرون بیاور و جلوی سمره بینداز. رفتند و این کار را کردند. آن‌گاه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سمره فرمود: حالا برو درختت را هر جا می‌خواهی بکار! (۱۷)

۳. اصل تقدّم استفاده از روش‌های سهل‌گیرانه بر

روش‌های سخت‌گیرانه و تنبیهی

در برخی روایات، بر عفو و بخشش - تا جایی که مفید است و موجب اصلاح رفتار فرد می‌گردد - تأکید شده است. چنین تأکیدی نشان از تقدّم استفاده از روش‌های سهل‌گیرانه بر روش‌های سخت‌گیرانه و تنبیهی است. امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: «حق آن‌کس که به تو بد کرده این است که او را عفو کنی و اگر بدانی که عفو تو مضر است و او را به تجری و تجاوز می‌کشاند برای کیفر او [از مردم] نصرت بطلبی». (۱۸) از این‌رو، هرگاه روش‌های

نتیجه‌گیری

با بررسی سیره معصومان علیهم‌السلام در زمینه تغییر و اصلاح رفتار، و در پاسخ به سؤال اصلی مقاله، می‌توان گفت: آن بزرگواران تنها به تغییر رفتار نامطلوب توجه نداشتند، بلکه درصدد اصلاح آن نیز بوده‌اند.

۲. در سیره آن بزرگواران اصلاح رفتار بر تغییر صرف رفتار اولویت داشته و تنها در جایی به تغییر رفتار اکتفا می‌شده که روش‌های سهل‌گیرانه موجب اصلاح رفتار فرد خاطی نمی‌شده است.

۳. کرامت و بزرگواری متربی را همواره حفظ می‌کردند و از روش‌های سهل‌گیرانه و کرداری بیش و پیش از روش‌های سخت‌گیرانه و گفتاری بهره می‌جستند و اقتضایی رفتار می‌نموده‌اند که همه اینها می‌تواند چون اصل‌های در تغییر و اصلاح رفتار محسوب شوند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابوالقاسم بشیری، «شیوه‌های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب در کودکان»، *دیدار آشنا*، ش ۷، مهر و آبان ۱۳۷۷.
- ۲- علی شریعتمداری، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، ص ۱۱.
- ۳- از آن‌رو که مبانی گزاره‌ها توصیفی‌اند و اصول گزاره‌های تجویزی و منتج از مبانی، اصول را باید به صورت عبارتی درآورد که با «باید» بیان شود و مبانی را به صورت عبارتی که با «است» بیان گردد. از این‌رو، در این نوشتار سعی شده این تمایز مورد دقت قرار بگیرد؛ تمایزی که در برخی کتب و مقالات تعلیم و تربیت اسلامی بدان توجهی نشده است.
- ۴- محمد محمدی ری‌شهری، *میزان‌الحکمه*، ج ۱، ص ۹۰.
- ۵- الیور ارونسون، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، ص ۱۵۰-۱۵۱.
- ۶- محمدبن یعقوب کلینی، *الکافی*، تصحیح محمدجواد فقیه، ج ۲، ص ۳۶۲.
- ۷- میرزا حسین نوری، *مستدرک‌الوسائل*، ج ۹، ص ۳۸.
- ۸- ذکر این داستان مربوط به ائمه اطهار علیهم‌السلام نیست، اما نشان‌دهنده رفتار پرورش‌یافتگان معصومان علیهم‌السلام است و با موضوع تغافل نیز همخوانی دارد (مرتضی مطهری، *داستان راستان*، ص ۳۴).
- ۹- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۴۲۱.

می‌شود و تنها چهارپایان هستند که جز با زدن اصلاح نمی‌گردند.»^(۲۲) همچنین ایشان فرموده‌اند: «کیفر خردمندان به صورت کنایی و تلویحی است و کیفر نادانان صریح و آشکار است.»^(۲۳) در *نهج‌البلاغه* آمده است: «آنکه خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد، و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید.»^(۲۴) امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «با عمل و رفتار پسندیده خود، مردم را به خوبی‌ها دعوت کنید و دعوتگر زبانی نباشید.»^(۲۵) از امام هادی علیه‌السلام نیز روایت شده که فرمود: «هرکس برادر دینی خود را در نهان اندرز دهد مایه زینت او شده و کسی که او را در حضور دیگران اندرز دهد مایه خواری او گشته است.»^(۲۶)

این روایات می‌تواند بیانگر اصلی با نام «اصل تقدّم استفاده از روش‌های غیرمستقیم و کرداری بر روش‌های مستقیم و گفتاری» باشد. در ذیل، نمونه‌ای از به‌کارگیری چنین اصلی در سیره معصومان علیهم‌السلام نقل می‌شود:

پیرمردی مشغول وضو بود، اما طرز صحیح وضو گرفتن را نمی‌دانست. امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام - که در آن هنگام خردسال بودند - وضو گرفتن پیرمرد را دیدند. اندیشیدند به طور غیرمستقیم او را متوجه اشتباهش کنند. در ابتدا با یکدیگر به مباحثه پرداختند و پیرمرد می‌شنید. یکی می‌گفت: وضوی من از تو کامل‌تر است و دیگری می‌گفت: وضوی من از تو کامل‌تر است. بعد توافق کردند که در حضور پیرمرد وضو بگیرند تا او حکم کند که وضوی چه کسی صحیح‌تر است. با این عمل، پیرمرد متوجه شد که وضوی صحیح چگونه است و به آنها گفت: وضوی شما صحیح و کامل است و من طرز صحیح وضو ساختن را نمی‌دانستم و اکنون شیوه صحیح آن را آموختم.^(۲۷)

منابع

- **نهج البلاغه**، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- ارونسون، الیور، **روانشناسی اجتماعی**، ترجمه حسین شکرکن، تهران، رشد، ۱۳۶۶.
- تیممی آمدی، عبدالواحدبن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
- شریعتمداری، علی، **اصول و فلسفه تعلیم و تربیت**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مکارم اخلاق**، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، تهران، فراهانی، ۱۳۸۲.
- قمی، شیخ عباس، **سفینه البحار**، قم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، تحقیق محمدجواد فقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸.
- مطهری، مرتضی، **داستان راستان**، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
- نوری، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۵ق.
- هرسی، پال و کنت بلانچارد، **مدیریت رفتار سازمانی**، ترجمه علی علاقه‌بند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

- ۱۰- همان، ص ۲۴۱.
- ۱۱- مرتضی مطهری، همان، ص ۲۰.
- ۱۲- **نهج البلاغه**، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص ۳۵۰.
- ۱۳- داشتن تنوع رفتاری لزوماً اقتضایی رفتارکردن را در پی ندارد، اما برای اقتضایی رفتارکردن باید تنوع رفتاری داشت.
14. Chris Argris.
- ۱۵- پال هرسی و کنت بلانچارد، **مدیریت رفتار سازمانی**، ترجمه علی علاقه‌بند، ص ۵۶-۵۷.
- ۱۶- اصول، قواعد و معیارهای عمل‌اند و موجب انعطاف روش‌ها می‌گردند و معیاری برای انتخاب برخی روش‌ها و حذف برخی دیگرند؛ از این رو، در پرتو اصول، بسیاری از روش‌ها و راه‌کارها را می‌توان از سیره معصومان استخراج کرد که چه بسا به صورت روشی خاص در سیره آن بزرگواران مطرح نشده است و انتظاری نابخاست که در استنتاج از سیره معصومان تنها بر روش‌ها تأکید کنیم و اصول را که کلی‌تر و مهم‌تر از روش‌های جزئی‌اند نادیده بینگاریم. اهمیت این مسئله آن‌گاه آشکارتر می‌گردد که دریابیم رابطه اصل با روش رابطه دوسویه است و چه بسا اصل‌هایی که از آن می‌توان روش‌های مناسب، انتخاب کرد و چه بسیار روش‌هایی‌اند که از آنها می‌توان اصولی کلی استخراج نمود. از این رو، باید اصول را جست‌وجو و استخراج کرد. بدیهی است که استخراج اصول، انتخاب روش‌ها را نیز آسان می‌سازد. در این مقاله نیز اصول تغییر و اصلاح رفتار از دیدگاه معصومان مورد توجه قرار گرفته است و از آوردن نام روش‌های خاص در ذیل هر اصل خودداری شده و اگر چنین امری صورت پذیرفته، تنها برای ارائه شواهدی از سیره آن بزرگواران بوده است و بس. از این رو، در این مقاله از چارچوبی که برخی از محققان درباره اصول و روش‌ها به کار گرفته‌اند، پیروی نشده و در ذیل هر اصل تنها روش‌های متناسب با آن اصل آورده نشده است؛ زیرا چه بسیار روش‌هایی هستند که در ذیل دو یا چند اصل قرار می‌گیرند.
- ۱۷- مرتضی مطهری، همان، ص ۴۸-۵۰.
- ۱۸- فضل بن حسن طبرسی، **مکارم اخلاق**، ص ۳۸.
- ۱۹- همان، ص ۴۸.
- ۲۰- **نهج البلاغه**، ص ۳۹۲.
- ۲۱- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱، ص ۷۲.
- ۲۲- عبدالواحدبن محمد تیممی آمدی، همان، ص ۲۶۳.
- ۲۳- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱، ص ۷۲.
- ۲۴- **نهج البلاغه**، ص ۳۷۱.
- ۲۵- شیخ عباس قمی، **سفینه البحار**، ج ۲، ص ۷۸.
- ۲۶- همان، ص ۱۰۰.
- ۲۷- مرتضی مطهری، همان، ص ۲۹.

صفحه ۵۸ سفید



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی